

دیدگاه‌های کاسترو

در جنگ اتمی امریکا کشتار میلیون ها انسان بی اهمیت است

ما باید شرایط کار ساده فیزیکی برای همه را که در نتیجه نهایی، سرمایه جاودانی و بعنوان ذخیره عظیم ارزی و نیروی کار همگانی است فراهم سازیم. بویژه باید جلو آن کسانی را بگیریم که موسسات دولتی را به تملک خویش درآورده و سپس، گونی همیشه صاحبان سرمایه بوده اند و با ساده ترین شیوه‌ها و خود خواهی و برتری طلبی درآمدهای بزرگی را تصاحب می کنند. تا زمانی که به این واقعیت‌ها چشم ببندیم، نمی توانیم به تلاش‌های خود جهت مهار زدن «بموقع» به امپریالیسم جامعه عمل بپوشانیم.

روزنامه سووتسکایا راسیا، ۱۷ ژانویه سال ۲۰۰۸

برگردان: ا. م. شیزلی

همانطور که، رسانه های جمعی گزارش داده اند، جرج بوش رئیس جمهور آمریکا، ششم ژانویه سال جاری، در پایان تعطیلات کریسمس خود، روانه خاورمیانه شد. او به سرزمینی رفت که مردم مسلمان آن، دارای اعتقاد و فرهنگ دیگری هستند. به سرزمینی سفر کرد که به نظر غربی‌ها، مردم آن قابل اعتماد نبوده و جنگ‌های صلیبی قرن یازدهم نیز را بیاد دارند.

خود مسیحیان نیز، بععل تفاوت‌های مذهبی و منافع ملی همدیگر را می کشتند. البته، تاریخ همه این زخم‌ها را التیام بخشیده است. صرفنظر از همه این‌ها، باید به اعتقادات دینی و آداب و سنن مردم، خواه مسیحی خواه دیگر ادیان و مذاهب احترام گذاشت.

اینک، من فاقد آن نیروی جسمانی هستم که بتوانم با مردم رو در رو صحبت کنم. من فقط به کاری مشغولم، که می توانم از عهده آن برآیم. من می توانم بنویسم. این کار جدید من است. البته، حرف زدن مثل نوشتن نیست. امروز، وقت بیشتری برای جمع آوری اخبار و اطلاعات و فکر کردن دارم. می بینم که براحتی از عهده کار نوشتن برمی آیم.

همه انسان‌ها معمولا در انتظار دستاوردهای ارزشمند هستند، ولی اغلب، بر خلاف انتظار، در چنگال نا آگاهی و تخریب گرفتار می شوند. آماده شدن برای مقابله با سختی‌ها، یگانه راه آمادگی برای دستیابی به بهترین‌ها است.

تصور می کنم بوش حتما می داند برای اشغالگران که برای جهان برنامه ریزی می کنند، مواد خام و ذخایر انرژی کشورهای دیگر را تسخیر می کنند، **مهم نیست** که برای دستیابی به اهداف خود، چند صد هزار و یا میلیون‌ها انسان می‌میرند و یا چند زندان مخفی و مرکزی برای شکنجه مردم باید ساخته شود و یا در «بیش از شصت گوشه جهان» باید در انتظار حملات پیشگیرانه و غیر منتظره آن‌ها باشند. ما با چشمان باز مسائل را پیگیری می کنیم. کوبا یکی از چنین گوشه‌های دنیاست. سرکرده امپریالیسم جهانی بارها در این مورد سخن گفته است و من نیز به سهم خود، در این باره به جامعه جهانی هشدار داده‌ام.

به گزارش آژانس‌های خبری، رئیس جمهور آمریکا در ابوظبی- پایتخت امارات متحده عربی- در چند مایلی ایران، اعلام کرد که، «ایران امنیت جهانی را تهدید می کند. آمریکا و متحدان عرب آن تا دیر نشده، باید برای مقابله با این خطر متحد شوند.»

بوش، دولت ایران را به تأمین مالی تروریسم، به جلوگیری از برقراری صلح در لبنان و به ارسال اسلحه به گروه‌های مذهبی افغانستان متهم ساخت. علاوه بر آن، وی گفت: «ایران با لفاظی‌های خود، سعی می کند همسایگان خود را بترساند، با سازمان ملل متحد مقابله می کند و کل منطقه را متشنج ساخته و از اعلام صریح برنامه اتمی خود، خودداری می کند.» وی گفت: «ایران با اقدامات خود، امنیت همگانی را تهدید می کند.» بدین جهت، ایالات متحده آمریکا، تعهد بلند مدت امنیتی در قبال دوستان خود در خلیج فارس را تحکیم می بخشد و دوستانش را به مقابله با خطر این کشور فرامی خواند.

«بوش در هتل» اماراتس پلاس»، که با هزینه ۳ میلیارد دلاری ساخته شده است و هر روز اقامت در آن ۲۴۵۰ دلار هزینه دارد، سخنرانی کرد. طول این هتل یک کیلو متر و پلاژ ۱/۳ کیلومتری آن، با ماسه سفید پوشانده شده است. بگفته استیون پایکا، نماینده سفارت آمریکا در امارات عربی متحده، «این ماسه ها تا آخرین دانه از الجزایر آورده شده اند». بر همه روشن است که وی طرفدار جنگ با ایران است. علاوه بر آن، او می گوید: «ارتش آمریکا، حداقل ۱۰ سال دیگر در عراق خواهد ماند». بدتر از همه این که، کاندیدای هر دو حزب که خواهان جانشینی بوش هستند، نخواهند توانست هیچ کاری بکنند. هیچ یک از آن ها، علیرغم وعده های غیر عملی، مثل تأمین شرایط رشد منظم، اشتغال همگانی و جلوگیری از تورم، حتی جرات ندارند در سیاست بهانه جویانه مبارزه با تروریسم امپریالیسم، که همزاد خود سیستم و منافع هنگفت آن می باشد، کوچک ترین تغییری بدهند. آمل مارتین لوتر کینگ، مالکم ایکس، ابراهام لینکلن و دیگر آرزومندان بزرگ بشریت در طول تاریخ ناآرام آمریکا چنین نبوده است.

هر کسی که وقت مطالعه کتاب و تحلیل اخبار منتشره در اینترنت، رسانه های جمعی و غیره را داشته باشد، می تواند به تناقض گویی هایی که جهان را می فریبند پی ببرد. به مقاله منتشره در روزنامه اسپانیایی پرخواننده «ال پایس»، به قلم پل کندی، پروفیسور تاریخ و مدیر شعبه بین المللی تحقیقات امنیتی دانشگاه یئل و یکی از روشنفکران پرنفوذ این کشور که به بررسی قیمت محصولات غذایی و سوخت پرداخته است توجه کنید. در این مقاله گفته می شود: «نفت - بزرگترین عامل وابستگی ایالات متحده آمریکا به قدرت های خارجی است.» «در اواسط قرن هیجدهم، بریتانیا، صاحب بزرگترین صنایع ساخت کشتی های بادبانی در جهان بود. اما، همان وقت، زمانی که کارخانه های کشتی سازی این کشور، سالانه صدها و حتی هزاران کشتی بادبانی به آب می انداخت، برخی مخترعین انگلیسی، به فکر ساختن ماشین بخار افتادند که خود این کار نیازمند انرژی عظیم قیر طبیعی موجود در معادن ولس جنوبی بود. موتور بخار و زغال، موجب رشد امپریالیسم بریتانیا در طول ۱۵۰ سال گردید.» وی در ادامه به توضیح مسئله ای می پردازد، که از نظر ما هم بسیار با اهمیت می باشد: این مسئله، عبارت از رشد رابطه متقابل بین نفت و محصولات غذایی می باشد. علت روشن آن نیز احتیاج ثروتمندترین کشورهای جهان - ایالات متحده آمریکا، ژاپن، و اروپا - به انرژی موجود در کشورهای آسیایی و ناتوانی همین کشورها در کاهش مصرف آن است. «در عین حال، احتیاجات سرسام آور جهانی به سویا، بویژه با بالا رفتن نیازهای آسیا به آن، به شدت افزایش می یابد. ده ها میلیون خوک اهلی موجود در چین، سالانه مقدار غیر قابل تصوری سویا می خورند. قیمت پایه آن، همین امسال (دسامبر سال ۲۰۰۷) نسبت به زمان مشابه سال قبل ۸۰ درصد بالا رفته است. هیچ کس نمی تواند در این امر مطمئن باشد و اما، از نظر منطقی نیز با در نظر گرفتن رشد دائمی جمعیت جهان و افزایش واقعی درآمد بیش از دو میلیارد انسان در سال های اخیر، نشان دهنده تقاضای هر چه بیشتر به مواد خوراکی گیاهی - گوشت گاو، خوک، مرغ، ماهی بیشتر، - و به تبع آن، میزان تقاضا به غلات برای تغذیه حیوانات هر چه بیشتر بالا می رود.»

پرفیسور دانشگاه یئل می توانست این مطلب را نیز اضافه کند که تولید تخم مرغ و شیر بیشتر، نیازمند خوراک بیشتری می باشد. وی در ادامه با یادآوری مقاله ای تحت عنوان «پایان غذای ارزان»، مندرج در «اکنون میست» - ارگان اصلی اقتصادی اروپا - آن را عالی، بسیار مفصل و نگران کننده می نامد. «مجله، قیمت مواد غذایی را نه کم، نه بیش، از سال ۱۸۴۵ نشان می دهد. سال جاری، گران ترین دوره مواد غذایی در طول ۱۶۲ سال می باشد.»

برزیل که کشوری خود کفاست و دارای ذخایر عظیم می باشد، بدون شک گرفتار وضع دشوار نخواهد شد. مساحت کشور فلاتی برزیل که بین ۳۰۰ تا ۹۰۰ متر بالاتر از سطح

دریاست، ۷۷ برابر از مساحت کوبا بیشتر می باشد. این کشور برادر، دارای سه منطقه آب و هوایی مختلف است و دچار طوفان‌های سهمگین گرمسیری نمی شود. در این کشور، همه انواع محصولات غذایی تولید می شود. اگر این کشور بتواند با آرژانتین متحد شود، این اتحاد می تواند مردم آمریکای لاتین، منطقه دریای کارائیب، با اضافه مکزیک را نجات دهد. هرچند هیچ تضمینی برای امنیت آن‌ها نیست و آن‌ها به "مرحمت" امپریالیسم نمی توانند این اتحاد را عملی می سازند.

همه می دانیم که نوشتن، وسیله ای است برای بیان با واسطه به مخاطب، شکل و شیوه گفتگوست، بدون نشان دادن چهره و لحن صدا. کار نوشتن چند برابر بیشتر از بیان شفاهی زمان می برد. نوشته دارای آن ویژگی است که هر ساعت شبانه روز می توان نوشت، با این تفاوت که نویسنده نمی داند چه کسی آن را خواهد خواند، برخی ها نمی توانند وسوسه بهبود بخشیدن به متن را داشته باشند، گفته نشده ها را بدان اضافه کنند و یا بخشی از نوشته را حذف کنند. گاهی پیش می آید که می خواهی نوشته ات را بخاطر این‌که هم‌صحبتی با خود نداری، پاره کرده به سطل آشغال بیاندازی. من در تمام زندگی خود، از آغاز خام‌ترین دوران زندگی تا امروز، به طرح آن رویدادهای پرداخته ام که شناختی از آن‌ها داشته ام، بخصوص زمانی که وقت و امکان بیشتری دارم نظاره گر جنایاتی هستم که بر علیه جهان ما و نوع بشر مرتکب می شوند.

به انقلابیون جوانتر به تأکید توصیه می کنم که با حس مسئولیت هرچه بیشتر و رعایت انضباط، برای رسیدن به قدرت تلاش نکنند، خود خواهی و تکبر را از خود برانند، از متد و مکانیزم های بوروکراتیک دوری کنند. شعارهای پوپولیستی ندهند. بوروکراتیسم را بعنوان مانع جدی مورد توجه قرار دهند. بدون بزرگنمایی اشکال فنی و نا عاقلانه، بر زبان نخبگان علم و تکنیک محاسبات مسلط شوند. باید خدمات کسانی را که با توان و عقل خویش کار می کنند گرامی دارند.

ما باید مسائل بالا را تعمیم دهیم، ما باید شرایط کار ساده فیزیکی برای همه را که در نتیجه نهائی، سرمایه جاودانی و بعنوان ذخیره عظیم ارزی و نیروی کار همگانی است فراهم سازیم. بویژه باید جلو آن کسانی را بگیریم که موسسات دولتی را به تملک خویش درآورده و سپس، گوئی همیشه صاحبان سرمایه بوده اند و با ساده ترین شیوه‌ها و خود خواهی و برتری طلبی درآمدهای بزرگی را تصاحب می کنند. تا زمانی که به این واقعیت‌ها چشم ببندیم، نمی توانیم به تلاش‌های خود جهت مهار زدن «بموقع» به امپریالیسم جامه عمل ببوشانیم. پیدایش امپریالیسم، بقول مارتین که خود آن را دید و در معادن آن زندگی کرد، باعث زیر و زبر شدن سرنوشت بشری گردید.

باید با دید دیالکتیکی و خلاق به مسائل نگریست. بدیل دیگری وجود ندارد. ما از بوش بخاطر ایفای نقش جادوگر، در دیدار خود از آن کشوری که فرزند یوسف نجار در آنجا زاده شد، (هرچند هیچ کسی محل تولد دقیق مخالف خونریزی، جایی را که ناصری چشم بر جهان گشود نمی داند)، سپاسگزاریم. این دفعه، سرکرده امپریالیسم، فروش ده‌ها میلیارد دلار اسلحه، محصول مجتمع های نظامی - صنعتی را به عنوان هدیه به کشور عربی و در عین حال دو دلار به ازای هر یک به آن کسانی که آن‌ها را برای تسلیح به دولت اسرائیل، کشوری که آژانس سازمان ملل متحد به بررسی تجاوزات آن مشغول است و تأیید می کند که ۳/۵ میلیون فلسطینی یا از حق خود محروم شده و یا از خانه خود رانده شده اند، تحویل می دهند وعده کرد.

سلاح‌های او، ایده های تحمیلی او، جهان را با **جنگ اتمی** تهدید می کند. فقط او قادر است چنین "هدیه" ای را به جادوگران تقدیم نماید.